

نگاهی بر روند روزافزون خشم و نفرت پراکنی در فوتبال باشگاهی

وقتی در بیانیه‌نویسی هم حرفه‌ای نیستیم

کزارش
دنیاحیدری

دشوار است، درست همانند روند بیانیه‌نویسی در فوتبال ایران که بی‌توجهی به مقابله با آن امروز به معضلی عظیم تبدیل شده است. فرافکنی، فریب‌افکار عمومی، مشوش کردن ذهن مردم و سوار شدن بر موج احساسات آنها و حتی تسویه حساب‌های شخصی سال‌هاست که اهالی فوتبال را دست‌به‌قلم می‌کند برای در کنار هم قرار دادن جملاتی که اگر چه تحت عنوان بیانیه منتشر می‌شود و در اختیار مردم قرار می‌گیرد، اما بیشتر به لجاجت‌های بیگانه و درگیری‌های کودکانه می‌ماند تا بیانیه‌نویسی، وقتی نگاه‌دهی آن به جای دفاع از خود تنها به تخریب طرف مقابل می‌پردازند.

حرف امروز و دیروز نیست، سال‌هاست که فوتبال ایران شرمنده رفتارهای این‌چنینی است. برخوردهایی که نشان از عدم آگاهی آقایان از اصول و پایه حرفه‌ای بودن دارد و صد البته نبود نظارت نهادهایی که باید در مواقع لزوم با کشیدن گوش این افراد مانع از نهادینه شدن این ناهنجاری شوند، بدعت‌های اشتباه و غلطی که نباید از سال‌ها قبل پایه‌ریزی می‌شد و هر آنچه امروز شاهد آن هستیم نشان کم‌سوادی و بی‌دانشی مدیران، مربیان و بازیکنانی بوده که به واسطه اندک شهرتی که به دست آورده‌اند خود را صاحب چنان جایگاهی دانستند که حق انتاج هر کاری را به آنها می‌دهد و البته سیل‌انگاری مسئولان و دست‌اندرکارانی که باید با نظارت مانع می‌شدند که نشدند و اوضاع اینگونه شد.

کار مدت‌هاست به جاهای باریک کشیده، اما هنوز آن برخوردی را که باید شاهد نیستیم، برخوردی که نوبد پایان این بدعت و ناهنجاری تأسفبار بار بدهد؛ نه آن زمان که سرمربی تیم ملی با الفاظی دور از انتظار تسویه‌حساب‌های

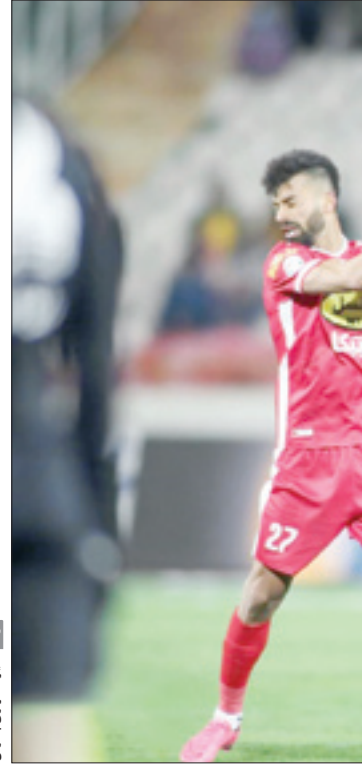


شخصی با مخالفانش را تحت عنوان بیانیه روی خروجی سایت‌های خبری قرار داد و نه امروز که کار بیانیه‌نویسی‌ها به جایی رسیده که چیزی از چاقو‌کشی‌های خیابانی کم ندارد. گاه اوضاع به قدری وخیم است که باید جوانان را از مرور اخبار رسانه‌های داخلی هم منع کرد، وقتی شاهد این حجم از بی‌اخلاقی‌های مدرن در رسانه‌های خبری هستیم، روندی که نه فقط در شأن ورزش و فوتبال ایران نیست که



آپرونی را نیز در معرض خطر قرار داده و چوب حراج به آن می‌زند.

نه آنکه حتی برای اعتراض، گله یا شکایت برای تیم‌ها قائل نبود، نه بی‌شک هر تیمی این حق را دارد تا در چارچوب ادب و قانون به حقی که از آن ضایع شده اعتراض کند و درصداحقان آن برآید، اما قرا نیست به بهانه احقاق حق به



تسویه‌حساب‌های شخصی پرداخت و نیش قبر کرده و به هر ریسمانی چنگ زد که این نه مطالبه حق و قانونی است که درست برعکس زیر پا گذاشتن قوانین نوشته و نانوشته‌ای است که گویی کمتر کسی این روزها از زشی برای آن قائل و به اجرایش مایل است.

سال‌ها قبل، زمانی که امثال مایلی کهن و قلعه‌نویی با ردیف



یک‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۱ | ۱۵ رمضان ۱۴۴۳ |

کار مدت‌هاست به جاهای باریک کشیده، اما هنوز آن برخوردی را که باید شاهد نیستیم، برخوردی که نوبد پایان این بدعت و ناهنجاری تأسفبار را بدهد؛ نه آن زمان که سرمربی تیم ملی با الفاظی دور از انتظار تسویه حساب‌های شخصی با مخالفانش را تحت عنوان بیانیه روی خروجی سایت‌های خبری قرار داد و نه امروز که کار بیانیه‌نویسی‌ها به جایی رسیده که چیزی از چاقو‌کشی‌های خیابانی کم ندارد.

کار مدت‌هاست به جاهای باریک کشیده، اما هنوز آن برخوردی را که باید شاهد نیستیم، برخوردی که نوبد پایان این بدعت و ناهنجاری تأسفبار بار بدهد؛ نه آن زمان که سرمربی تیم ملی با الفاظی دور از انتظار تسویه‌حساب‌های

کردن الفاظ رکیک تحت عنوان بیانیه، شخصیت مخالفان خود را نشانه رفتند و در مسیر تخریب آنها گام برداشتند باید قدمی محکم در راستای متوقف کردن این روند برداشته می‌شد امروز شاهد این حجم از بیانیه‌نویسی‌ها نیستیم، با وجود این ماهی را هر زمان که از آب بگیریم تازه است و حتی امروز هم که کارد به استخوان رسیده، می‌توان با اندیشیدن چاره‌ای اساسی، سدی مقابل این حجم از ناهنجاری‌های به وجود آمده، ایجاد کرد تا اوضاع از این خراب‌تر نشود، چراکه اوضاع تا اندازه‌ای خراب شده که به نظر می‌رسد آقایان تا پای استخدام جاسوس برای مخالفان خود برآمده‌اند تا با استفاده از اطلاعات به دست آمده در زمان مقتضی، حریران و مخالفان خود را ضربه فنی کنند؛ حال آنکه فلسفه بیانیه‌نویسی بی‌شک آن چیزی نیست که طی سال‌های اخیر از اهالی فوتبال دیده‌ایم و این بیشتر به جنگ سرد می‌ماند برای آقایانی که از هیچ اتشی بی‌تبعیت نمی‌کنند و این همان واقعیت حرفه‌ای نبودن فوتبال ایران است که به جای اشاعه فرهنگ و گام برداشتن در مسیر سلامت و نشاط جامعه، اهانت و بر خاشاگری را در جامعه رواج می‌دهد، نه

ت‌رور شخصیتی عادی شده



■ **امیر حاج رضایی***

ص‌دور بیانیه‌های تند یک معضل فرهنگی است و کار اساسی برای آن در فوتبال انجام نداده‌ایم، اتفاقات درون زمین به بیرون زمین کشیده می‌شود و در این مدت تیم‌ها سعی دارند با بیانیه حریف را تخریب کنند، اگر فرهنگ‌سازی می‌کردیم و ساختار درستی داشتیم، کار به اینجا نمی‌کشید، اینکه دو باشگاه مطرح فوتبال به جان هم بیفتند، قشنگ نیست، اگر چه رفتن به کمیته انضباطی و حل و فصل مشکلات در نشست‌هایی از این دست بد نیست، ولی باید در گذشته کار فرهنگی انجام می‌شد و ثمره آن همه بی‌توجهی را امروز به بدترین شکل ممکن می‌بینیم، کمیته انضباطی آ‌را را اعلام کرد و بساز هم آرامش برقرار نشد! معمولاً در اختلاف طرفین، پای قانون وسط می‌آید به غائله خاتمه می‌دهد، ولی در فوتبال ما قانون را هم قبول ندارند، فوتبال‌ماندگانه با این مسائل دست به گریبان است، فقط هر از گاهی متواپش عوض می‌شود، متأسفانه ترور شخصیتی در جامعه فوتبال عادی شده است، در هر کشوری دو تیم هستند که دربی‌ها را برگزار می‌کنند و همیشه با هم کشمکش دارند، ولی نه به این شکل، در زمین باید دعوا کنند و کارت زد و قرمز صادر شود، اما پایه نیز اوضاع‌شان همین است، فضا به سمت هر چومرغ بیشتر پیش می‌رود و متأسفانه وضعیت مبهم مدیریت فدراسیون هم اوضاع را تشدید می‌کند.



■ **مجید جلالی***

این موضوع سسال‌ها در فوتبال ما رشد کرده و به یک معضل و باور در فوتبال ایران بدل شده است، همه مربیان، بازیکنان و حتی مربیان به این باور رسیده‌اند که اگر ساکت باشند، سرشان کلاه می‌رود و برای رسیدن به پیروزی قبلی باید شلوغ کاری کنند، سال‌های پیش یک‌بار گفتم در فوتبال ما فقط صداهای بلند شنیده می‌شود، حتی یک‌بار که تیم شکست خورده بود، هیئت مدیره به من گفت «نمی‌توانی حق تیم را کنار زمین‌گیری‌نیمکت حریف شلوغ کرد، ولی تو ساکت بازی را تماشا کردی»، الا‌ن حتی مدیران برای کم نیاورند از حرفان، شلوغ کاری را به عنوان یک بازی پذیرفته‌اند. در فوتبال ما این اعتقاد جا افتاده که «هر یک بازی اول باید نیمکت‌ها یکدیگر را شکست دهند و بعد نوبت تیم‌هاست»، وقتی افرادی آمدند و شلوغ کردند و بافتند و کسی حتی به کارشک نشضیع شده است، به فدراسیون نیز در تکمیل این میحاث گام بردارد، ضمن اینکه مدیران باشگاه‌های ما اصلاً دغدغه فرهنگی ندارند و فقط شعارش را می‌دهند، همین بی‌تفاوتی است که به بیانیه‌نویسی، توهین، اتهام‌زنی و رجز خوانی ختم می‌شود، این اخلاقی‌ها مستقیماً به سکو‌ها نیز منتقل پیدا می‌کند، در زمان برگزاری مسابقات بدون تماشاگر بداخلاقی‌ها به اوج رسید، وقتی سکو‌ها پر از هوادار باشد قطعاً این مسائل روی رفتار تماشاگران تأثیر می‌گذارد، رفتار مربیان، بازیکنان و عوامل تیم‌ها بسته‌ساز هج‌مه‌های ضدفرهنگی روی سکو‌هاست.



فوتبال در سر آشیبی تند فرهنگی قرار گرفته است

■ **امیرضا واعظ آشتیانی***

متأسفانه حرفه‌ای نبودن مربیان، بازیکنان، مدیران و حتی برخی از رسانه‌ها واقعیت دارد، بیانیه نوشتن موضوع بدی نیست، سازمان‌های داخلی، وزارتخانه‌ها و نهاد‌های بین‌المللی در خصوص مسائل مختلف فارغ از توهین، اتهام و بداخلاقی بیانیه صادر می‌کنند، ولی باشگاه‌ها ما نفس بیانیه‌نویسی را به سخره گرفته‌اند، بیانیه جنبه اطلاع‌رسانی و اعلام مواضع دارد، ولی اینها به سمت توهین و بی‌احترامی گام برداشته‌اند، این بحث، فضای فرهنگی فوتبال و ورزش را به چالش کشیده است، به خاطر اینگونه رفتارها، فوتبال ما در سرایشگی فرهنگی قرار گرفته و نشان می‌دهد فوتبال ما نگاه فرهنگی ندارد، حتی که مدیر آ‌ما‌تور نیز چنین رفتارهایی نمی‌کند، انتقاد اصلی به بخش قضایی فدراسیون فوتبال است، اگر در ارتباط با رویه‌های ضدفرهنگی و موضع ورود، تصمیم‌گیری و رای صادر کند، شاهد انتشار بیانیه‌های تند نخواهیم بود، این رویه جایگاه بیانیه‌نویسی را خشنودار کرده است، تنها راه این است که بخش آموزش و فرهنگی فدراسیون فوتبال در زمان مناسب و وقتی تعطیل است برای کادرفنی و بازیکنان کلاس‌های آموزشی بگذارد تا سازوکار چگونه صحبت کردن و تبعات اظهار نظر‌های نابجا از نظر قوانین را به آنها گوشزد کند، آموزش بخشی از این چالش‌ها را می‌تواند حل کند، نکته دیگر اینکه قوانین داوری را برای هر باشگاه تبیین و به آنها تأکید کنند که چه رفتارهایی باعث جریمه و محرومیت‌شان خواهد شد، برگزاری لیگ و اردو‌های تیم‌ملی تنها وظیفه فدراسیون فوتبال

حرفه‌ای‌ها علیه هم بیانیه نمی‌نویسند



فاش شد، بارسلون علیه آنها بیانیه نمی‌دهد یا وقتی مشکلات و فساد مالی لاماسیا عیان شد، مادریدنشینان هیچ وقت تلاش نکردند با صدور بیانیه کارشان را پیش ببرند، چراکه هر دو خوب می‌دانستند برخورد لازم صورت می‌گیرد و آنها بهتر است به کار خودشان بپردازند، اینگونه می‌شود که فوتبال اسپانیا هیچ گاه از تاب و تپ نمی‌افتد یا فوتبال باشگاهی در ایتالیا و انگلیس همیشه در اوج رقابت باقی می‌ماند، باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال دنیا راه رقابت با یکدیگر را خوب می‌دانند، آنها خوب می‌دانند برای اینکه رقیب را شکست دهند باید اصولی کار کنند، نه اینکه مترصد یک اشتباه از سوی مقابل باشند و با بزگنمایی و در بوق و کرنا کردن آن به هدف خود نزدیک شوند، فوتبال حرفه‌ای، کار حرفه‌ای می‌طلبد و کار حرفه‌ای سختی‌با بیانیه‌نویسی و تهمت و افترا ندارد.

کمیته انضباطی و اخلاق کجای کارید؟!!

این اوضاع و احوال فوتبالی است که بول در آن حرف اول و آخر را می‌زند، نه فرهنگ در آن مهم است و نه تحصیل و سواد که اگر دومی را داشتند، اولی خود به خود شکل می‌گرفت، سؤال اینجاست؛ حالا که فوتبال باشگاهی ایران فاقد این دو مهم و اصل انکارناپذیر است، وظیفه ارگان‌هایی چون کمیته انضباطی و کمیته اخلاق چیست؟ آیا نباید کسی یا جایی پیدا شود تا برای پایان دادن به این همه بی‌اخلاقی و تهمت و افترا کاری کند؟ اصلاً این روزها که بازار بیانیه‌نویسی و تهمت زدن و ریختن پت‌ه هم روی آب داغ است، کسی پرسیده که آقایان این دو کمیته کجا هستند و چه می‌کنند؟

بدون هیچ شکی آنچه امروز مشاهده می‌شود، ثمره کم کاری همین آقایان است که اگر چند سال قبل اولین تیمت‌ها صادر و اولین تهمت‌ها زده شد، جلوی آن را می‌گرفتند و مسببان را تنبیه می‌کردند، امروز کار به اینجا کشیده نمی‌شد که باشگاه‌ها برای فرار از زیر بار مسئولیت شکست‌ها و سوءمدیریت‌های‌شان فرافکنی کنند و در جهت فریب‌افکار عمومی بیانیه پشت بیانیه صادر کنند، طبیعت است که وقتی اتهامی زده می‌شود مراجع ذی‌صلاح باید مدرک بخواهند، اما آنچه ما امروز شاهد آن هستیم، ایراد ژست‌ترین و بدترین اتهام‌ها به یکدیگر در فوتبال است، آن هم جلوی چشم آقایان مثلاً قانون دان کمیته انضباطی و پشت میز نشینان مدعی اخلاق مداری کمیته اخلاق، سکوت و نظاره‌گر بودن این آقایان صد البته که بسیار دردناک‌تر از سکول بیانیه‌هایی است که این روزها باشگاه‌ها و آدم‌های فوتبال علیه هم صادر می‌کنند، کار از دست در رفته، اینقدر که باشگاه‌ها هر وقت دش‌ان خواهند بدون هیچ نگرانی علیه رقیب بیانیه می‌دهند و هر وقت صلاح بدانند این روند زست را قطع می‌کنند، نیست، آقایان کمیته انضباطی و کمیته اخلاق نگاهی گذرا به موارد اتهامی فوتبالی‌ها علیه یکدیگر ببینارند تا شاید کمی شاخک‌های‌شان تکان بخورد و به موضوع حساس شوند، بدون هیچ تعارفی باید گفت این نگرانی وجود دارد که ادامه سکوت این دو کمیته و برخورد نکردن با بیانیه‌نویسی‌ها کار را به جاهای باریک‌تر بکشاند، به جاهایی که حتی قلم از نوشتن آن شرم دارد.



■ **فریدون حسن**

قدیمی‌ها می‌گفتند می‌دانید چرا خدا دو گوش و یک زبان به آدم داده و بعد جواب می‌داند برای اینکه دو برابر آن چیزی که می‌گوید باید بشنودید و ایسن اولین و اصولی‌ترین راه تربیت بود برای اینکه آدمی بپهوده از زبانش استفاده نکند، شاید هم می‌خواستند به نوعی بگویند که وقتی زبان زیاد کار کرد به هجو‌گویی می‌افتد و فکر کردن تعطیل می‌شود، خب حالا اوضاع فوتبال باشگاهی ایران را که می‌بینیم، دقیقاً به همین موضوع می‌رسیم، عده‌ای قابل توجه بدون اینکه کوچک‌ترین هنرنمایی بابت اظهاراتشان بیز دارند، دهان‌بازی می‌کنند و علیه همه حرف می‌زنند، بیانیه صادر می‌کنند و دیگران را متهم و محکوم می‌کنند و بدتر اینکه حتی بدیهی‌ترین اصول اخلاقی را هم زیر پا می‌گذارند و هیچ ابایی از لجن‌مال کردن یکدیگر ندارند.